



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما السلام

www.Ghaemiyeh.com  
www.Ghaemiyeh.org  
www.Ghaemiyeh.net  
www.Ghaemiyeh.ir



ویژه گیهای معنوی  
حضرت خدیجه (س)

مهدی ورزنده ..... جلد ۱-۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# ویژگی های معنوی حضرت خدیجه (سلام الله علیها)

نویسنده:

مهدی وزنه

ناشر چاپی:

مهدی وزنه

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۷	ویژگی های معنوی حضرت خدیجه (سلام الله علیها)
۷	مشخصات کتاب
۷	جلد ۱
۷	چکیده
۷	کلید واژه
۷	مقدمه
۷	الف- پیشتازترین بانو در گرایش به حق و عدالت.
۷	اشاره
۸	۱- پیشتازی در اسلام
۹	۲- پیشتازی در ایمان
۱۰	۳- پیشتازی در نماز
۱۱	پی‌نوشت‌ها:
۱۲	جلد ۲
۱۲	بیعت با پیامبر
۱۴	همراهی با امام علی (علیه السلام).
۱۴	اشاره
۱۴	۱- مربی و مدافع علی علیه السلام در کودکی:
۱۵	۲- مهر خدیجه (سلام الله علیها) نسبت به امام علی (سلام الله علیه) :
۱۶	۳- اولین بیعت کننده با امام علی علیه السلام:
۱۷	نتیجه
۱۷	پی‌نوشت‌ها
۱۷	کتاب‌نامه

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ..... ۱۹

## ویژگی های معنوی حضرت خدیجه (سلام الله علیها)

### مشخصات کتاب

نویسنده: مهدی وزنه

ناشر: مهدی وزنه

موضوع: حضرت خدیجه (س) - مقالات

### جلد ۱

### چکیده

همه ما در زندگی نیازمند به داشتن الگوی مناسب هستیم تا در سایه عمل کردن به تعالیم آن الگو زندگی موفق داشته باشیم، یکی از زنان نمونه و برتر که الگوی مناسب برای زنان و مردان جامعه اسلامی می باشد، حضرت خدیجه (سلام الله علیها) هستند. در مقاله با برخی از ویژگی های معنوی حضرتش آشنا می شوید.

### کلید واژه

خدیجه (سلام الله علیها)، ویژگی های معنوی، پیشتازی، همراهی، بیعت.

### مقدمه

در طول تاریخ، به خصوص در عصر علم و صنعت و ارتباطات، تجربه ثابت کرده است که استعمارگران در هر جا پا گذاشتند از عضو حساس جامعه، یعنی زن سوء استفاده کردند، و با معرفی زنان هرزه‌ی جهان به عنوان هنر پیش‌گان ممتاز و دختران شایسته، به اهداف خود برسند.

در مقابل اسلام به عنوان یک آیین سازنده به این مطلب توجه کرده است و با معرفی زنان نمونه و برتر پیروان خود را از هرگونه هم‌سویی با الگوهای کاذب بر حذر داشته است.

بر همین اساس ما نیز به عنوان پیروان دین اسلام به دنبال معرفی ویژگی های خاص و معنوی بانویی بر آمدیم که نخستین زن مسلمان و نخستین همسر پیامبر (صلوات الله علیه واله) است.

ایشان مظهر کمالات انسانی، ایثار و قارت، مادری آزموده و فضیلت پرور یعنی مادر زهرا ی اطهر (علیها سلام)، حضرت خدیجه کبری (سلام الله علیها) می باشند.

امیدواریم در این مختصر در حد توان برخی از ویژگی های معنوی آن بانوی علمی را ترسیم کرده باشیم.

### الف- پیشتازترین بانو در گرایش به حق و عدالت.

### اشاره

حضرت خدیجه (سلام الله علیها) پیشتازترین زن در تاریخ اسلام، در گرایش به حق و عدالت است، و این پیشتازی در اسلام، پیشگامی در ایمان، در نماز و نیایش با خدای یکتا و برپایی فرهنگ و منش مرقی، و سبقت در دست بیعت دادن با پیامبر، از ویژگی های معنوی درخشان او به شمار می رود.

به ویژه که در آن شرایط تیره و تاریک جاهلیت، مخصوصاً در مورد زنان و دختران، که بیشتر قربانی تاریک اندیش ها و تعصب های کورکورانه و خرافه سازی می شدند.

خدیجه (سلام الله علیها) هم به خاطر موقعیت اجتماعی و اقتصادی و مدیریتی، به طور طبیعی می بایست در اردوگاه مخالفان نهضت تو حیدگریان محمد صلی الله علیه و آله قرار بگیرد، نه در اردوگاه نواندیشان و رو آورندگان و ایمان آورندگان به آموزه های ستم ستیز وحی و رسالت، تا چه رسد که از پیشتازان و پیشگامان اسلام و ایمان و آزادی گردد و بر جایگاه پرفراز چهره های برجسته قرار بگیرد.

به تعدادی از روایات در این موارد می پردازیم:

### ۱- پیشتازی در اسلام

از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله آورده اند که خدیجه (سلام الله علیها) به دخترش فاطمه (سلام الله علیها) فرمود: «ثُمَّ تَسْبِيْتَقْبَلُكَ أُمُّكَ خَدِيجَةُ (سلام الله علیها) أَوَّلَ الْمُؤْمِنَاتِ بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ (۱).....»؛ «سپس به پیشواز تو می آیند مادر ارجمندت خدیجه (سلام الله علیها)، آن بانویی که نخستین ایمان آورنده ی به خدا و به رسولش بود.».

و همچنین برخی از حدیث نگاران آورده اند که؛ پیامبر صلی الله علیه و آله در چهلمین روز از زندگی شان بود، روزی در غار «حراء» در حال نیایش با خدا و راز و نیاز با او، فرشته ی وحی بر آن حضرت فرود آمد، و در حالی که دو یار همراه او، علی علیه السلام و خدیجه (سلام الله علیها) در چند قدمی آن بزرگوار بودند، مژده ی پیام رسانی و رسالت را به او داد، و این آیات را به قلب محمد صلی الله علیه و آله خواند: «أَقْرَأْ بِإِسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ، خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ (۲)؛ «به نام خداوند بخشاینده ی مهربان. (هانی محمد!) قرآن را به نام پروردگارت که خدای آفریننده ی عالم است قرائت کن. آن خدایی که آدمی را از خون بسته آفرید...».

پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از آنکه آیات الهی به ایشان نازل شد، به پیش خدیجه (سلام الله علیها) آمدند، اما در راه خود به سمت خانه، سنگ ها و شن ها و گیاهان و درختان را می دیدند که در برابر او سرت عظیم فرود آورده بودند و بر او سلام کردند. هنگامی که وارد خانه شدند، از خدیجه (سلام الله علیها) خواستند و گفتند: «زَمِّلُونِي وَدَثِّرُونِي»؛ (۳) «مرا بپوشانید و جامه ام را به رویم بکشید تا اندکی آرامش پیدا کنم.».

خدیجه (سلام الله علیها) هنگام استقبال از پیامبر صلی الله علیه و آله در سیمای ملکوتیشان درخشندگی و معنویت خاصی دید، و از پیامبر پرسیدند؟ «وَمَا هَذَا النَّورُ؟»؛ «این نور چیست؟!».

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هَذَا نُورُ النَّبُوَّةِ قَوْلِي لِأَيِّهَا لَآ إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ»؛ (۴) «خدیجه! این روشنایی، فروغ تابناک رسالت است، پس اینک با تمام وجود بگو خدایی جز خدای یکتا نیست و محمد صلی الله علیه و آله پیامبر خداست.».

این جا بود که حضرت خدیجه (سلام الله علیها)، احساس ویژه ای در دلش کرد و گفت: من از زمان های گذشته در انتظار چنین روزی بودم و در این مورد مطالعه و فکر کرده ام، پس با همه ی وجود به یکتایی خدا و رسالت محمد صلی الله علیه و آله ایمان



آورد: «آمَنْتُ وَ صَدَّقْتُ وَ رَضَيْتُ وَ سَلَّمْتُ»؛ (۵) «ای پیامبر خدا! من به آنچه خدا فرو فرستاده، ایمان آوردم و دین و آیین او را تصدیق نمودم و به گرایش به این راه و رسم خشنود گردیده‌ام و در برابر فرمان خدا فرمان بردارم».

- و اما گفته‌های تاریخی در مورد پیشتازی خدیجه (سلام الله علیها) در اسلام زیاد است، نمونه‌ای از آن‌ها: «أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مِنَ الرِّجَالِ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ مِنَ النِّسَاءِ خَدِيجَةُ (سَلَامُ اللَّهُ عَلَيْهَا)»؛ (۶) «اولین کسی که ایمان آورد به رسول خدا صلی الله علیه و آله از مردان علی علیه السلام بود از زنان خدیجه (سلام الله علیها)».

## ۲- پیشتازی در ایمان

به عقیده‌ی عده‌ای، دو واژه‌ی اسلام و ایمان، دارای یک معنا و مفهوم است، اما از دیدگاه عده‌ای دیگر با هم تفاوت دارند، چرا که اسلام به مفهوم پذیرش و اقرار به زبان است، اما ایمان، به باور عمیق قلبی گفته می‌شود.

اسلام عبارت است از اعلام قانون گرایی و فرمان برداری از حق و پذیرش ره آورد وحی و رسالت است. بر همین اساس است که امنیت انسان تضمین می‌شود، اما اگر این اعلام، همراه با باور و عقیده‌ی قلبی باشد، از آن به ایمان تعبیر می‌شود و به دارنده‌ی آن، مسلمان و با ایمان می‌گویند.

اما کسانی که تنها با زبان اسلام آورده‌اند و به خاطر امتیاز و فرصت‌ها و شرایط اطراف و دفع خطر و هزینه، به این راه آمده‌اند، این‌ها از دایره‌ی ایمان بیرون هستند، هرچند به ظاهر مسلمان باشند.

این تفاوت‌ها و نوشته‌ها برگرفته از آیه‌ی شریفه‌ی قرآن است، که می‌فرماید: «قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَ لَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَ لَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَ إِن تَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئاً إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»؛ (۷) «اعراب بنی اسد و غیره که بر تو منت گذارده و گفتند ما ایمان آوردیم به آن‌ها بگو شما که (ایمانتان) به قلب وارد نشده به حقیقت هنوز ایمان نیاورده‌اید لکن بگوید ما اسلام آوردیم و اگر خدا و رسول وی را اطاعت کنید او از (اجر) اعمال شما هیچ نخواهد کاست و از گناه گذشته‌ی شما می‌گذرد که خدا بسیار آموزنده و مهربان است».

از پیامبر صلی الله علیه و آله آورده‌اند که در تفاوت اسلام و ایمان فرمود: «الْإِسْلَامُ عِلَاقِيَّةٌ وَ الْإِيمَانُ فِي الْقَلْبِ»؛ (۸) «اسلام آشکار است و به وسیله‌ی زبان هویدا می‌شود، اما ایمان باور عمیق قلبی است».

آن گاه با دست به سینه‌ی خود اشاره کرد و فرمود: «الْمُسْلِمُ مَنْ سَلَّمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ...»؛ (۹) «مسلمان آن کسی است که دیگران از دست و زبان او امنیت داشته باشند، و او قدرت و امکانات و مقررات خدا و حقوق مردم را پایمال نکند».

بله، ایمان فراتر از اسلام است و علاوه بر اقرار آگاهانه و آزادانه به اصول و فروع دین و معارف و مقررات خدا، زندگی فردی و اجتماعی و حتی ازدواج خود را بر اساس اندیشه و باور منش مورد نظر قرآن و آورنده‌ی قرآن تنظیم می‌کند و رابطه‌اش و رفتارش هم با خدا، خویشتن، پدیده‌های متنوع طبیعی و هموعان بر اساس عدل و داد می‌شود و این می‌شود یک زندگی و ازدواج معنوی و برتر که لیاقت الگو شدن را دارد.

از ویژگی‌های معنوی خدیجه (سلام الله علیها) این است که نه تنها توحید گرا و ایمان آورنده‌ی واقعی به خدا و پیامبر و باور کننده‌ی پاداش و کیفر و بهشت و دوزخ بود و در کل بانوی ایمان و باور بود بلکه در این مسیر از همه‌ی زنان نواندیش و کمال طلب جلوتر بود، و در ایمان واقعی به خدا و پیامبر، پیشگام ترین و پیشتازترین زنان شد.

این ویژگی، خدیجه (سلام الله علیها)، در بسیاری از روایات بیان شده که ما به ذکر دو مورد کفایت می‌کنیم: - پیامبر صلی الله علیه و آله، بارها در برابر ادعای دروغین برخی از زنان خود، در تجلیل از خدیجه (سلام الله علیها) فرمود: «مَا أَبْدَلَنِي اللَّهُ خَيْرًا مِنْهَا لَقَدْ

أَمَنْتَ بِی حَیْنَ كَفَرَ النَّاسُ وَ صَدَّقْتَنی حَیْنَ كَذَّبَی النَّاسُ...»؛ (۱۰) «خداوند هرگز همسر و همراه و مشاوره بهتر از او (خدیجه) به من ارزانی نداشت، چرا که در آن شرایط بحرانی که مردم به دعوت توحیدی من کفر می‌ورزیدند، او با شهامت و درایت به راه و رسم آسمانی من ایمان آورد، و آنگاه که آنان من را در رسالتم، دروغ گو می‌دانستند، او با اخلاص و درستی و راستی من را در دعوتم گواهی داد و...».

در تاریخ همچنین آمده است: «وَجَاءَتِ النَّبُوَّةُ فَأَسْلَمَتْ فَهِيَ أَوْلُ امْرَأَةٍ آمَنْتَ بِهِ...»؛ (۱۱) «چون امر نبوت ظاهر شد، خدیجه (سلام الله علیها) با اسلام رو آورد، او نخستین بانویی است که به ایمان آورد...».

یکی از حقایق دقیق تاریخی و روایی این است که؛

خدیجه (سلام الله علیها) نخستین بانویی است که به پیامبر و پیام آسمانی او ایمان آورد، و این ویژگی معنوی او به طوری مشهور و معروف است که در میان تاریخ نگاران و محدثان و دانشمندان نظر مخالفی ندارد.

### ۳- پیشتازی در نماز

نماز و نیایش به معنای واقعی آن، اگر در زندگی فردی، خانواده، جامعه و حکومت، مخصوصاً در زندگی زنشویی، از جایگاه معتبر و خالصانه و درستی برخوردار باشد، به عنوان مراسمی تشریفاتی و یا سوداگرانه به آن نگاه نشود، هم نشانه‌ی رابطه‌ی دوستانه‌ی آن نمازگزاران با خداست و هم دلیل بر ویژگی‌های معنوی و حق طلبی و قانون مداری و بشر دوستی آنهاست و هم اثر فوق‌العاده سازنده در بینش و منش و عملکرد و زندگی و در ادامه نسل‌های آنها دارد.

چرا که این برنامه‌ی شبانه روزی در فرهنگ قرآن و روایات ما، در حقیقت روح عبادت، جان پرستش، بارزترین نوع بندگی و خلوص، پرواز روح و جان شیفته‌ی حق، معراج انسان در فضای بی کران معنویت، کلید بهشت، اوج گرفتن به قرب پروردگار، مهم‌ترین سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله و... می‌باشد.

نمونه‌ی بارز سفارش به نماز در آیات الهی، از این قرار است: «... وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَ لَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ»؛ (۱۲) «و نماز را (که بزرگ عبادت خدا است) بسته بجای آر که همانا نماز است که اهل نماز را از هر کار زشت و منکر باز می‌دارد و همانا ذکر خدا بزرگتر است و خدا به هر چه کنید آگاه است».

از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در این مورد آورده‌اند که: «لَا صَلَاةَ لِمَنْ لَمْ يُطِعِ الصَّلَاةَ وَ طَاعِيَةَ الصَّلَاةِ أَنْ يَنْتَهِيَ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»؛ (۱۳) «کسی که فرمان برداری از نماز نکند، نماز او در حقیقت نماز درست و خداپسندانه‌ای نیست، و فرمان برداری از نماز نیز آن است که نمازگزار از زشتی و گناه دوری گزیند».

به عبارتی دیگر پیام این روایت را می‌توان این‌طور گفت که:

نمازی انسان را از گناه و زشتی دور می‌سازد، که نماز واقعی باشد یعنی نمازی باشد که به آن دل دهیم و پیام انسان ساز آن را بشنویم و در کنارش کارهایی را انجام دهیم که ما را به خدا نزدیک کند. نه اینکه نمازگزار از گناه و زشتی و پایمال ساختن امنیت و آزادی مردم دوری نکند و یا اینکه حتی در نماز تازه گم‌شده‌هایمان را پیدا کنیم، تنها وقتی نماز اثربخش است که از نافرمانی خدا توبه‌ی واقعی کنیم و خود را از اسارت هواها و وسوسه‌های شیطانی دور کنیم، همان‌طور که خدیجه (سلام الله علیها) این‌گونه برتر و والاتر بودند و نه تنها نماز و نیایش واقعی داشتند بلکه در انجام آن پیشتاز بودند، از جمله برخی روایات در زمینه‌ی پیشتازی خدیجه (سلام الله علیها) در نماز؛

- پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله پیش از دعوت اسلام و دعوت به ایمان، بارها فرشته‌ی وحی را دیده بود و نماز و نیایش را

آموخته بود، و مدت‌ها بود که به طور پنهانی خدا را پرستش می‌کرد و نماز می‌خواند، روزی در حال نماز خواندن بود که علی علیه السلام آمد و آن حضرت را در حال نماز خواندن دید، او پیامبر را در حال دعا و نیایش دیده بود ولی در حال نماز خواندن ندیده بود، پس پرسید:

«یاابالقاسم، ماهذا؟!»، «ای پیامبر، این چه عبادتی است؟!».

«قال: هذه الصلوة اللتي أمر الله بها... فدعاه إلى الإسلام فأسلم وصلى معه وأسلمت خديجة...» (۱۴)

پیامبر فرمود: «این نماز است که خدا من را به انجام آن فرمان داده است... پس پیامبر صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام را به اسلام دعوت کرد، و او اسلام آورد و با پیامبر صلی الله علیه و آله نماز خواند و خدیجه (سلام الله علیها) نیز اسلام آورد و از آن روز به بعد هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله به نماز می‌ایستاد، علی علیه السلام و خدیجه (سلام الله علیها) نیز با آن حضرت نماز می‌خواندند.».

روزی جناب ابوطالب به همراه پسرش جعفر از جایی می‌گذشت که دیدند، پیامبر صلی الله علیه و آله در جلو در حال نماز خواندن هستند و علی علیه السلام در سمت راست و خدیجه (سلام الله علیها) پشت سر او، به آن حضرت اقتدا کرده و نماز می‌خواندند، ابوطالب پس از تحقیق و فهمیدن، به پسرش جعفر فرمود: «صَلِّ جَنَاحَ ابْنِ عَمِّكَ.»؛ (۱۵) «در کنار عموزاده گران قدرت محمد صلی الله علیه و آله قرار بگیر و با او نماز بخوان.».

جعفر با شنیدن حرف پدرش جلو رفت و اسلام آورد، و نماز خواند، در این حال ابوطالب شاد شد و سروده‌هایی را خواند. عبدالله بن مسعود آورده است:

اولین چیزی که از اسلام و پیامبر گرامی دیدم و با شگفتی و شور و شوق یاد گرفتم، نماز و نیایش بود، روزی من به همراه گروهی از بستگانم و افراد قبیله‌ام به مکه رفته بودیم، پس از زیارت کعبه به رسم آن روز برای خرید، پیش عباس عموی پیامبر رفتم با او در حال گفتگو بودیم دیدیم مردی بزرگ وارد مسجد الحرام شد، در حالی که طرف راست او نوجوانی پرشکوه و پشت سرش بانویی باوقار بود، آنان تا نزدیک «حجر الاسود» رفتند، سپس آن مرد بزرگوار با نهایت ادب دستی بر آن سنگ کشید و آن دو. همراهش هم، همین کار را تکرار کردند، بعد از آن هر سه نفر به طواف خانه‌ی خدا پرداخته و هفت بار طواف کردند، پس از طواف کنار «حجر اسماعیل» آمدند و به نماز جماعت ایستادند، من که تا آن روز چنین نماز و نیایشی ندیده بودم، در فکر رفتم و به عباس گفتم: «این چه دینی و آیینی است؟! انگار دین تازه‌ای در مکه ظاهر شده و ما بی خبریم?!».

عباس گفت: «بله، دین تازه‌ای است! محمد صلی الله علیه و آله فرزند عبدالله و برادرزاده‌ی ارجمند من است و آن نوجوان هم علی علیه‌السلام برادرزاده‌ی دیگرم، پسر ابوطالب است و آن زن نیز خدیجه (سلام الله علیها) بانوی خردمند و کمال جوی حجاز و همسر محمد صلی الله علیه و آله است. محمد صلی الله علیه و آله از جانب خدا پیام آورده است که: «پروردگار او همان پدید آورنده و تدبیرگر جهان و انسان است و از سوی او برنامه‌ای برای رستگاری و نجات مردم آورده.».

پرسیدم: آیا مردم هم به دین و آیین او آمده‌اند؟!

جواب داد: «والله ما على الارض كلها أحد يدین بهذا الدين الا هؤلاء الثلاثة!»؛ (۱۶) «به خدا سوگند، که به کران تا کران این زمین پهناور، جز این سه تن و انسان توحیدگرا، کس دیگری را بر این دین نمی‌شناسم.».

### پی‌نوشت‌ها:

۱- سیلاوی، الانوارالساطعه من الغراء الطاهره خدیجه بنت خویلد، ص ۳۵۴؛ محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۸، ص ۵۳.

۲- سوره علق (۹۶)، آیات ۱ تا ۲.

- ۳- ذهبی، تاریخ اسلام، ج ۱، ص ۱۱۸؛ عمر بن کثیر قرشی، البداية و النهایة، ج ۳، ص ۳؛ عزالدین ابن اثیر، اسدالغابه، ج ۶، ص ۸۲؛ احمد بن علی. مقریزی، امتاع الاسماع، ج ۱، ص ۳۱؛ محمد بن یوسف صالحی شامی، سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیرالعباد، ص ۱۵؛ علی بن یوسف حلّی، العدد. القویه، ص ۳۴۰؛ زین الدین محمد بن علی ابن شهر آشوب، مناقب ال ابطالب، ج ۱، ص ۴۴؛ عبدالحسین شرف الدین، النص و الاجتهاد، ص ۴۲۱.
- ۴- علی بن یوسف حلّی، همان، ص ۲۳۷؛ زین الدین محمد بن علی ابن شهر آشوب، همان، ج ۱، ص ۴۸.
- ۵- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۲۳۲.
- ۶- محمد بن حسن طوسی، امالی طوسی، ص ۲۵۹.
- ۷- سوره حجرات (۴۹)، آیه ۱۴.
- ۸- جلال الدین سیوطی، تفسیر در المنثور، ج ۶، ص ۱۰۰؛ محسن فیض کاشانی، تفسیر صافی، ج ۵، ص ۵۶؛ فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۹، ص ۲۰۸.
- ۹- محسن فیض کاشانی، همان، ج ۵، ص ۵۶؛ محمدرضا قمی مشهدی، تفسیر کنزالدقائق و بحرالقرائب، ج ۱۰، ص ۳۸۷؛ ابن منظور محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱۲، ص ۲۹۳.
- ۱۰- محمد بن نعمان مفید، الافصاح فی امامة امیر المؤمنین، ص ۲۱۷؛ علی بن یوسف حلّی، شرح منهاج الکرامه فی معرفه الامام، ص ۴۴۵؛ ناصر. مکارم شیرازی، الأمثل فی تفسیر کتاب الله منزل، ج ۱۳، ص ۲۴۵، به نقل از استیعاب و صحیح بخاری طبق نقل المراجعات، رساله ۷۲، ص ۲۲۹.
- ۱۱- عبدالرحمان بن علی بن محمد ابوالفرج، صفوة الصفوة، ج ۲، ش ۱۲۵، ص ۷.
- ۱۲- سوره عنکبوت (۲۹)، آیه ۴۵.
- ۱۳- محمد باقر مجلسی، همان، ج ۷۹، باب ۱، ص ۱۹۸.
- ۱۴- همان، ج ۱۸، ص ۱۸۴؛ علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، ج ۱، ص ۱۸۷.
- ۱۵- فضل بن حسن طبرسی، اعلام الوری باعلام الهدی، ص ۳۶.
- ۱۶- ابن ابی الحدید معتزلی، شرح نهج البلاغه، ج ۱۳، ص ۲۲۶؛ نورالله شوشتری، احقاق الحق و اذهاق الباطل، ج ۷، ص ۵۵۷، ج ۱۷، صص ۴۱۵ و ۴۱۶، ج ۲۲، صص ۵۹۲ تا ۶۰۰، ج ۳۰، ص ۶۶۲؛ فضل بن حسن طبرسی، همان، ص ۲۵؛ عبدالحسین احمد الامنی نجفی، الغدیر فی کتاب والسنة و الادب، ج ۳، صص ۲۲۷ و ۳۲۷؛ محمد عبده یمانی، الانوار فی مولدالنبی، ص ۱۹۸؛ محمدالحسون، همان، صص ۳۱۹ و ۳۲۰؛ ابوالفتح کراچکی، کنزالفوائد، ج ۱، ص ۲۱۱؛ علی بن عیسی اربلی، همان، ج ۱، ص ۵۱۳؛ عزالدین ابن اثیر، همان، ج ۳، ص ۲۲۶؛ محمد بن جدید طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۱؛ ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۲، ص ۴۵۹؛ مؤسسه ال البيت، مجله ی تراثنا، ج ۲۱، ص ۲۰۰؛ محمد حیاة الانصاری، المثنی، ص ۲۵۲.

## جلد ۲

### بیعت با پیامبر

حضرت خدیجه (سلام الله علیها)، نه تنها پیشتازترین زن در گرایش به اسلام و ایمان و نماز و پرستش خدا بود، بلکه نخستین بانویی است که دست بیعت به پیامبر داد، و قهرمانانه پیمان بست که از حق حیات، حق آزادی، حق برابری و حق دفاع و سایر حقوق طبیعی و انسانی پیامبر صلی الله علیه و آله در برابر فشار تاریک اندیشی و تعصب انگیزی، با همه وجود و امکانات خود دفاع کند، و در

این پیمان وفادار ماند و یکدیگر ویژگی های معنوی او به شمار رفت.

با دقت در سیرهای حضرت خدیجه (که پاره‌ای از آن‌ها قبلاً اشاره شده)، دلیل این پیشتازی و پیشگامی خدیجه (سلام الله علیها) در تمام این موارد را می‌توان این‌طور بیان کرد؛

۱- او از مدت‌ها پیش، با ادیان آسمانی آشنا شده بود، و در مورد آن‌ها فکر و مطالعه کرده بود، و در پرتو این شناخت‌ها که از بشارت‌های موسی و مسیح در مورد پیامبر اسلام بود، خیلی راحت‌تر آگاه شد و تصمیم گرفت.

۲- او شاگرد آگاه و پرشور و تلاش‌عمویش «ورقه» بود، که از عالمان بزرگ مذهب مسیح بود، و.

مفاهیم و مقررات و معارف مذاهب پیشین را به خدیجه یاد داده بود، و در راه زندگی، همواره مشاور خیرخواه و دلسوز بود.

۳- راز دیگر پیشتازی او به اسلام و ایمان، شناخت او از محمد صلی الله علیه و آله و شهرت آن حضرت به راستی و درستی و امانت داری و پاکی و پروا و... در سراسر حجاز بود، و از سوی دیگر او محمد صلی الله علیه و آله را برترین انسان‌های روزگار خود می‌دانست و این او را به هدفش نزدیک‌تر می‌کرد.

۴- امتیاز دیگر اسلام و ایمان و بیعت او با پیامبر این بود که بسیار خالصانه و سرشار از اطمینان قلب و یقین خالص بود. دلیل این بیان گواهی پیامبر به ایمان عمیق و استوار و دلیل دیگر این بود که او ثروت فراوان آبرو و اعتبار بسیار و آسایش و امنیت خود را پای دین خدا ریخت، و این همه فداکاری جز در پرتو اخلاص و یقین بالا نیست.

۵- امتیاز دیگرش این بود که اسلام و اسلام‌گرایی او نه احساسی بود و نه دنباله‌روانه، نه بر اساس مُید و پیروی از جریان محافظه‌کار و رایج جامعه و تاریخ بود و نه موسمی و فصلی و زودگذر؛ بلکه بر اساس آگاهی و شناخت و خردمندی و خردورزی و اخلاص و کمال طلبی بود.

بر همین اساس بود که خدیجه (سلام الله علیها) دوشادوش امیرالمؤمنین و همفکر و هم‌مرزم و هم‌اندیش با او، اسلام آورد، به پرفرازترین مراحل ایمان اوج گرفت و در پیمانش راه کمال و جمال، پس از علی علیه السلام دست بیعت به پیامبر داد.

در این مورد آورده‌اند که؛ هنگامی که علی علیه السلام و خدیجه (سلام الله علیها) اسلام آورده‌اند و نمار خواندند، روزی پیامبر صلی الله علیه و آله آن دو را صدا زد و فرمود: «انّ الاسلام شُروطاً وَعَهْداً وَمَوَاقِيقٌ...»؛ (۱۷) «شما برای تقرب به درگاه خدا اسلام آورده‌اید و در برابر برنامه‌ی آسمان تسلیم شده‌اید، این اسلام دارای شروط و عهد و پیمان است حالا اگر در اسلام و ایمان خود استوار هستید باید با خدا و پیامبرش بیعت کنید تا به سلامت و رستگاری برسید.».

سپس علی علیه السلام و خدیجه (سلام الله علیها) با خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و دین او، برای فداکاری و ایثار تا پای جان بیعت نمودند.

- در روایت دیگری آمده است که: پس از اسلام و ایمان و نماز خواندن علی علیه السلام و خدیجه (سلام الله علیها) روزی پیامبر گرامی آن دو را صدا زد و گفت:

این فرشته‌ی وحی است که نزد من آمده و می‌گوید: اسلام و باور آن دارای شرایط و پیمان‌هایی است، سپس در مورد یکتایی خدا، صفات کمال و جمال او، رسالت پیامبر، فرود وحی و پیام آسمانی، ایمان به معاد و جهان پس از مرگ و پاداش و کیفر آن دنیا و دیگر اصول و فروع اسلام، صحبت کرد و از آن دو پرسید:

آیا به همه‌ی آنچه برای شما گفتم، گواهی می‌دهید؟

ابتدا امام علی علیه السلام و سپس خدیجه (سلام الله علیها) اقرار و اعلام کردند که باور عمیق دارند و سپس: «فَوَضَّعَ كَفًّا فِي كَفِّهِ...»

«(۱۸)»

پیامبر صلی الله علیه و آله به فرمان خدا دست مبارک را باز کردند و دست علی علیه السلام را در میان دست خود گذاشتند و فرمود:

«علی جان! با من در مورد شرایط و مقررات اسلام بیعت کن که از من و آرمان من، همان گونه دفاع کنی که از خود دفاع کنی.»  
امیرالمؤمنین غرق در شور و جذبه بود که با چشمانی اشک آلود گفت: «پدر و مادرم فدایت! به خواست خدا، همان گونه که فرمودی با تو دست بیعت می‌دهم.»

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله رو به خدیجه (سلام الله علیها) کرد و از او خواست تا دستش را روی دست پیامبر صلی الله علیه و آله قرار دهد و همان طور بیعت کند و او نیز با پیامبر صلی الله علیه و آله بیعت کرد.

## همراهی با امام علی (علیه السلام).

### اشاره

از دیگر امتیازهای معنوی حضرت خدیجه (سلام الله علیها)، مهر و لطف بی پایانش به علی علیه السلام، توفیق شرکت جدی در نگهداری، پرستاری و تربیت آن حضرت، سعادت همراهی و همگرایی و همفکری با او در دفاع از حق و پیامبر صلی الله علیه و آله و سرانجام هم بیعت با علی علیه السلام به عنوان امیر مؤمنان و جانشین راستین پیامبر به اشاره‌ی خود آن حضرت است. وجود این ویژگی‌ها و در واقع ولایت مداری این بانو، از دیگر ویژگی‌های معنوی او بود که زندگی و ازدواج آن را معنوی‌تر و ماندگارتر می‌کرد:

### ۱- مربی و مدافع علی علیه السلام در کودکی:

از شگفتی‌های روزگار در زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله این بود که در سال‌های اولیه زندگی‌شان، پدر و مادر خود را از دست دادند به همین خاطر به منزل عمویش جناب «ابوطالب» و همسر وفادارش «فاطمه» دختر «اسد» آمدند و این زن و مرد نگهداری و مراقبت و تربیت آن کودک نمونه را به عهده گرفتند و در این راه پرافتخار و پرفراز و نشیب از ایثار و فداکاری و محبت و عاطفه کم نگذاشتند، و بالاخره آن کودک در سن حدود بیست و پنج سالگی با خدیجه (سلام الله علیها) ازدواج کرد که در آن زمانها بود که کودکی در خانه‌ی خدا، از پدر و مادر برگزیده‌ای به نام علی علیه السلام به دنیا آمد، ولادت امام علی علیه السلام هم‌زمان با سال‌های اول زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه (سلام الله علیها) مصادف بود و خواست خدا بود که این بار، این کودک متولد شده در کانون خانواده‌ای که برترین کانون کمال و معنویت و فرهنگ و دانش بود بزرگ شود. چرا که پیامبر صلی الله علیه و آله با تدبیری حکیمانه پس از مشورت با عموی بزرگوارش ابوطالب و همسر او، کودک ارجمند آن‌ها را به خانه‌ی خود بردند؛ و اداره‌ی زندگی و تغذیه جسمی و فکری و عاطفی و اخلاقی او را به همراه همسر خود، خدیجه (سلام الله علیها) به عهده گرفتند.

در این مورد آورده‌اند: «ثُمَّ إِنَّهُ كَانَ أَبُو تَالِبٍ وَفَاطِمَةُ بِنْتُ أَسَدٍ رَبِّیَا النَّبِیِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَرَبِّی النَّبِیِّ وَخَدِیجَةُ لَعَلِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ (۱۹)...» به این مضمون که: پس از رحلت جان‌سوز پدر و مادر ارجمند پیامبر در کودکی، جناب ابوطالب و همسرش مراقبت و تربیت او را بعهده گرفتند، پس از گذشت حدوداً دو دهه، دست حکیمانه‌ی تقدیر و تربیت و آموزش فرزند آن پدر و مادر را به پیامبر گرامی و همسر او، خدیجه (سلام الله علیها) سپرد و علی علیه السلام در زیر سایه‌ی آن دو بزرگوار رشد و نمو نمود.

و آمده است که: «وَأَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ ابْنُ سِتِّ سِنِينَ كَسَنَهُ يَوْمَ أَخَذَهُ أَبُو تَالِبٍ، فَرَبَّتُهُ خَدِیجَةُ وَالْمَضِيظَفِيُّ إِلَى أَنْ جَاءَ الْإِسْلَامُ، وَتَرَبَّيْتُهُمَا أَحْسَنُ مِنْ تَرَبِّيَةِ أَبُو تَالِبٍ وَفَاطِمَةَ بِنْتُ أَسَدٍ، فَكَانَ مَعَ النَّبِیِّ إِلَى أَنْ مَضَى، وَبَقِيَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ

السلام بَعْدَهُ...»؛ (۲۰) «پیامبر گرامی، علی علیه السلام را در آغازین سال‌های کودکی‌اش که در ششمین بهار از زندگی بود، با تدبیری حکیمانه از خانه‌ی عمویش ابوطالب و همسر او، به خانه‌ی خود و خدیجه (سلام الله علیها) برد، و این رویداد مهم، درست مانند همان رویدادی بود که در کودکی خود آن حضرت اتفاق افتاده بود، و جناب ابوطالب و همسرش فاطمه، نگهداری و سرپرستی محمد صلی الله علیه و آله را با بردن آن کودک به خانه‌شان به عهده گرفتند، به این ترتیب علی علیه السلام در کانون گرم خانه‌ی محمد و خدیجه بود تا زمانی که اسلام آمد و شرایط تربیتی و نگهداری پیامبر و خدیجه برای علی علیه السلام بهتر از شرایطی بود که ابوطالب و همسرش برای پیامبر بوجود آورده بودند.».

- و روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «اخْتَرْتُ مِنْ اخْتَارَ اللهُ لِي عَلَيْكُمْ عَلْتًا» (۲۱).

## ۲- مهر خدیجه (سلام الله علیها) نسبت به امام علی (سلام الله علیه) :

پس از رفتن علی علیه السلام به خانه‌ی خدیجه و پیامبر، علاوه بر اینکه خدیجه (سلام الله علیها) از تعهد انسانی خود برای نگهداری و مراقبت و تربیت آن کودک استفاده می‌کرد، ولی مهر آن کودک باعث شد خدیجه او را مانند فرزند خود بداند و به صورت وصف ناپذیری مهر و محبت او را به دل خود احساس کرد و مانند مادری، شیفته و شیدا برای آن کودک شد.

آن کودک شب و روز در خانه‌ی خدیجه (سلام الله علیها) بود؛ در کنار او زندگی می‌کرد، بازی می‌کرد، به جست و خیز می‌پرداخت و همراه با رشد ظاهری و جسمی، از نظر معنوی و اخلاقی، فکری و عاطفی و منش و روش مترقی که برگرفته از رهنمون‌ها و الگودهی‌های درخشان پیامبر و خدیجه بود، به کمال و شکوفایی می‌رسید.

در مقابل، آن کودک هم به پیامبر و خدیجه، دل بسته بود و پدر و مادرش او را فقط در خانه‌ی این دو مربی آگاه و پر معنویت و دو معلم دلسوز می‌دیدند.

شاید بتوان انگیزه‌های این مهر و محبت خالصانه را در؛

- زیبایی و جاذبه‌ی وصف ناپذیر این کودک و چگونگی تولد او که در جای خود بی نظیر و ممتاز بود دانست.

- یا زیبایی معنوی و انسانی او که به تدریج و با گذشت زمان نمایان‌تر می‌شد و موجب بیشتر شدن محبت خدیجه (سلام الله علیها) به او می‌شد.

- اینکه خدیجه (سلام الله علیها) دلبستگی و مهر و محبت، پیامبر صلی الله علیه و آله را نسبت به آن کودک می‌دید، به همین خاطر بهترین غذا و زیباترین لباس‌ها را برای علی علیه السلام تهیه می‌کرد و به هنگام خارج شدن او از خانه، هم مراقب آراستگی لباس و سواره‌ی او بود، هم عده‌ای از کارگزاران را برای خدمت.

و مراقبت از آن کودک انتخاب می‌کرد، تا جایی که برخی از خدمتکاران و نزدیکان خدیجه (سلام الله علیها) فکر می‌کردند، آن کودک، برادر محمد صلی الله علیه و آله است.

- و شاید به خاطر نقش نجات بخش و بی نظیر، امام علی علیه السلام در زندگی انسان‌ها و پیشرفت دین خدا و ارزش‌های بالایی که خدیجه (سلام الله علیها) در فکر آن‌ها بود.

- و مهم‌ترین دلیل این مهر و محبت، وصف‌هایی که پیامبر صلی الله علیه و آله از امام علی علیه السلام داشتند. در روایات، پیامبر او را به خاطر پیشگامی در اسلام و پیشتازی در ایمان، به خاطر عدالت طلبی و آزادی خواهی، به خاطر آراستگی و وصف ناپذیر به ارزش‌های اخلاقی و انسانی و به خاطر ویژگی‌ها و امتیازات و برتری‌های بسیارش بر همگان، ستایش می‌کرد، و او را الگوی شایسته‌گان و محور حق و مرکز عدالت و سمبل آزادگی و آزادمنشی معرفی می‌کند؛ از جمله نمونه‌ای از دریای روایات که پیامبر

فرمودند: «عَلِيٌّ خَيْرٌ أُمَّتِي، وَأَعْلَمُهُمْ عِلْمًا، وَأَفْضَلُهُمْ حِلْمًا»؛ (۲۲) «علی علیه السلام بهترین و دانشمندترین و بردبارترین چهره‌ی امت من می‌باشد».

همچنین یکی از دانشمندان اهل سنت نیز در این مورد آورده: «و عَلِيٌّ نَشَأَ فِي بَيْتِ خَدِيجَةَ وَ هُوَ صِغِيرٌ، ثُمَّ تَزَوَّجَ بَعْدَهَا فَظَهَرَ رُجُوعُ أَهْلِ الْبَيْتِ النَّبَوِيِّ إِلَى خَدِيجَةَ دُونَ غَيْرِهَا...»؛ (۲۳) «به این ترتیب علی علیه السلام از کودکی در خانه‌ی خدیجه (سلام الله علیه) بزرگ شد و سپس با دخترش فاطمه (سلام الله علیه) ازدواج کرد، پس روشن می‌شود که ریشه و اساس خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله از سوی مادر به خدیجه (سلام الله علیه) برمی‌گردند نه به کس دیگری...».

- محبت خدیجه (سلام الله علیه) هر روز بیشتر و بیشتر می‌شد، مخصوصاً وقتی محبت پیامبر صلی الله علیه و آله را به علی علیه السلام می‌دید از جمله: آن حضرت می‌فرمود: «مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فَقَدْ أَحَبَّنِي، وَمَنْ أَحَبَّنِي فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ، وَمَنْ أَبْغَضَ عَلِيًّا فَقَدْ أَبْغَضَنِي وَمَنْ أَبْغَضَنِي فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ...»؛ (۲۴) «هان ای مردم! هر کس علی علیه السلام را دوست دارد، در حقیقت من را دوست داشته، و هر کس من را دوست بدارد، خدا را دوست داشته، و هر کس علی علیه السلام دشمنی و عداوت کند، در حقیقت با من دشمنی کرده و کسی که با من دشمنی کند، در حقیقت با خدا دشمنی کرده است».

- همچنین می‌فرمودند: «أَشْبَهْتُ خَلْقِي وَخُلُقِي، وَأَنْتَ مِنْ شَجَرَتِي الَّتِي أَنْامُهَا»؛ (۲۵) «علی جان! تو در آفرینش و بینش و منش، مانند من هستی و از همان درخت تناوری هستی که من از آنم».

- و می‌فرمودند: «عَلِيٌّ خَيْرٌ مَنْ أَتْزُكُهُ بَعْدِي»؛ (۲۶) «علی علیه السلام بهترین چهره‌ای است که من پس از خود در میان امت برجای می‌گذارم» و بسیاری فرمایشات دیگر که مجال نوشتن نیست.

### ۳- اولین بیعت کننده با امام علی علیه السلام:

در روایتی از پیامبر اسلام آمده است که: «عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ وَمَا تُؤَدِي بِشَيْءٍ كَمَا تُؤَدِي بِالْوَلَايَةِ» (۲۷). اسلام پس از اندیشه و باور توحید گرایانه و بشردوستانه، در میدان عمل به راین اساس و ارکان بنیان شده، (که با توضیحات بیشتر برای درک بهتر مطلب) است؛

۱- بر پایه‌ی رابطه‌ی دوستانه و آگاهانه با خدا و توحید گرایی خالص، که نشان آن، نمازهای شبانه روزی، پنج گانه است.  
۲- رعایت حقوق انسان‌ها در جلوه‌های گوناگون زندگی که از مهم‌ترین آن‌ها، شناختن حقوق مالی و اقتصادی محروم‌ترین و بی دفاع‌ترین انسان‌هاست که نه توان گرفتن حقوق خود را دارند و نه توان دفاع از حقوق خود را دارند که باید به سراغ آن‌ها رفت و با انگیزه‌های پاک و خدایی و خالص، حقوق آن‌ها را بپردازیم.

۳- شرکت در مراسم پر معنویت حج و طواف خانه‌ی خدا با مقررات آن، که هر سال برپا می‌شود تا اندیشمندان و صاحبان قدرت به یاد داشته باشند که جامعه‌ی مطلوب و مورد نظر پیام بر صلی الله علیه و آله، جامعه‌ای است که برابری، عدالت، آزادی امنیت، حق حیات و دیگر اصول حقوق بشر برای سیاه و سفید، آشنا و بیگانه و توانمند و محروم، یکسان است و هیچ کس حق ندارد حقوق بشر را پایمال کند.

۴- روزه و رمضان، تا در هر سال یک ماه همه برای رفتن به میهمانی خدا فکر کنند و خود را برای رفتن به ضیافت خدا با توبه و جبران گذشته و اصلاح خود و روابط اجتماعی و سیاسی، خود و جامعه‌ی خود را برای میهمانی خدا آماده کنند و کم شدن جرم و جنایت در این ماه، نشان دهنده‌ی آثار پربرکت این ماه است.

۵- و ولایت یعنی دوستی علی علیه السلام و فرزندان پاک سرشت و پاک روش آن حضرت، و آنان را به دلیل برتری در اندیشه و رفتار و منش، الگو و سرمشق و نمونه‌ی زندگی قرار دادن، که این واقعیت ولایت است نه چیز یا کس دیگر.



بر همین اساس بود که خدیجه (سلام الله علیها) از همان سال‌های اولیه دعوت، با شناخت مقام بالای امام علی علیه السلام با راهنمایی خدا و پیشنهاد پیامبر صلی الله علیه و آله، با امام علی علیه السلام به عنوان جانشین واقعی پیامبر صلی الله علیه و آله بیعت کرد.

### نتیجه

با توجه به ویژگی های معنوی حضرت خدیجه (سلام الله علیها)، می توان به این نتیجه رسید که در نظر او میان ایمان و عمل صالح یک پیوند محکمی وجود دارد. یعنی ایمان، در دیدگاه ایشان تنها باور عمیق قلبی بدون ضوابط و عملکرد مشخص نیست. بر همین اساس حضرتش در طول حیات طیبه اش همیشه خداوند را در نظر داشتند به مین سبب همیشه ماندگار و جاودانه می باشند.

### پی نوشت‌ها

- ۱۷- محمدباقر مجلسی، همان، ج ۶۵، ص ۳۹۲.
- ۱۸- همان؛ سیلاوی، همان، ص ۳۳۹.
- ۱۹- زین الدین محمد بن علی ابن شهر آشوب، مناقب ال ابی طالب، ج ۲، ص ۱۷۹.
- ۲۰- همان؛ محمدباقر مجلسی، همان، ج ۲۸، ص ۲۹۴.
- ۲۱- زین الدین محمد بن علی ابن شهر آشوب، همان، ج ۲، ص ۱۸۰؛ محمدباقر مجلسی، همان، ج ۳۸، ص ۲۹۴؛ نورالله شوشتری، ج ۱۷، ص ۷۵.
- ۲۲- حسام الدین هندی، کنز العمال، ج ۶، ص ۱۵۳.
- ۲۳- علی ابن ابوالفضل عسقلانی، فتح الباری بشرح البخاری، ج ۷، ص ۱۲۸.
- ۲۴- ابن عبدالبر، همان، ج ۳، ص ۱۱۰۱؛ محمد بن یوسف صالحی شامی، همان، ج ۱۱، ص ۲۹۳؛ حسن بن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۴۵۸.
- ۲۵- محمد بن یوسف صالحی شامی، همان، ج ۱۱، ص ۸؛ علی حسنی میلانی، نفحات الازهار، ج ۵، ص ۱۲۱.
- ۲۶- علی ابن ابی هیشمی، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج ۹، ص ۱۱۳.
- ۲۷- محمد بن حسن بن علی بن محمد بن حسین حرعاملی، ج ۱، ص ۱۳؛ محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی صدوق، همان، ص ۲۶۸؛ محمد بن حسن طوسی، همان، ص ۱۲۴؛ ابو عیسی ترمزی، الشمائل المحمدیه و الخصائل المصطفویه، ج ۱، ص ۲۸۶؛ یحیی بن حسن حلّی ابن بطریق، العمده، ص ۳۳۱؛ محمد بن خالد برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۲۸۶؛ محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی، همان، ج ۲، ص ۱۸.

### کتاب نامه

- طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.
- ابن اثیر، عزالدین، اسد الغابه، بیروت، انتشارات دارالفکر، ۱۴۰۹هـ.
- ابن جوزی، عبد الرحمن، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، بیروت، انتشارات صادق، ۱۳۵۸هـ.
- ابن شهر آشوب، زین الدین محمد بن علی، مناقب ال ابی طالب، بی جا، انتشارات ذوی القربی، چاپ دوم، بی تا.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار الفکر للطباعه و النشر و التوزیع، دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴هـ. ق.

ابو الفرج، عبدالرحمان بن علی بن محمد، صفوة الصفوة، بیروت، انتشارات دارالمعرفة، چاپ دوم، ۱۳۹۹هـ.  
ابی الحدید، هبة الله، شرح نهج البلاغه، دار النشر، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۸ هـ الطبعه الأولى، تحقیق: محمد عبد الکریم النمری.

اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة، تبریز، مکتبه ی بنی هاشم، ۱۳۸ش.

امینی، عبدالحسین احمد، الغدیر فی کتاب والسنة و الادب، بیروت، دارالکتب العربی، چاپ چهارم، ۱۳۷۹هـ.  
الانصاری، محمد حیاة، المثنی، بی جا، بی نا، بی تا.

بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیرالقرآن، تهران، انتشارات موسسه بنیاد بعثت، ۱۴۱۶هـ.

برقی، محمد بن خالد، المحاسن، قم، انتشارات دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۷۱هـ.

البصری الزهری، محمد بن سعد، الطبقات الکبری، بیروت، دار النشر دار صادر بی تا.

ترمزی، الشمائل المحمدیه و الخصائل المصطفویه، بیروت، مؤسسه الکتب الثقافیة، ۱۴۱۲هـ.

حراغلی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، قم، مؤسسه ال بیت، ۱۳۰۸هـ.

الحسون، محمد، اعلام النساء المؤمنات، بی جا، انتشارات اسوه، ۱۴۱۱هـ.

حسینی میلانی، علی، نفحات الازهار، قم، انتشارات مهر، ۱۴۱۴هـ.

حلی، علی بن یوسف، العدد القویه، قم، انتشارات سید الشهداء، ۱۴۰۸هـ.

حلی، علی بن یوسف، شرح منهاج الکرامه فی معرفه الامام، بی جا، بی تا.

حلی، یحیی بن حسن ابن بطریق، العمده، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۷هـ.

ذهبی، شمس الدین محمد، تاریخ الاسلام، دار النشر، دار الکتب العربی، لبنان، بیروت، ۱۴۰۷ هـ چاپ اول.

راوندی، قطب الدین، الخرائج و الجرائح، قم، مؤسسه امام مهدی، ۱۴۰۹هـ.

سیلاوی، الانوار الساطعه، چاپخانه علمیه، ۱۴۲۱هـ.

سیوطی، جلال الدین، تفسیردرالمنثور، قم، انتشارات کتابخانه ایت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۲هـ.

شرف الدین، عبدالحسین، النص و الاجتهاد، بی جا، انتشارات سید الشهداء، ۱۴۰۴هـ.

شعبه حرانی، حسن، تحف العقول، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۵هـ.

شوشتری، قاضی نور الله، احقاق الحق، مکتبه آیت الله المرعشی، قم، ۱۴۰۹ هـ ق، چاپ: اول.

شیبانی، محمد بن عبد الکریم، الکامل فی التاریخ، دار النشر، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۵ هـ الطبعه ط ۲، تحقیق: عبد الله القاضی.

صالحی شامی، یوسف، سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیرالعباد، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۴هـ.

طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، تهران، نشر اسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۹۰هـ.

طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، تهران، انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ هـ.ش.

طوسی، محمد بن حسن، امالی طوسی، قم، انتشارات دارالثقافیة، ۱۴۱۴هـ.

عبد البر، عبد الله بن محمد، الاستیعاب، دار النشر، دار الجیل، بیروت، ۱۴۱۲، الطبعه الأولى، تحقیق: علی محمد البجاوی.

عبدہ یمانی، محمد، الانوار فی مولدالنبی، بیروت، مؤسسه الکتب الثقافیة، ۱۴۱۸هـ.

العسقلانی الشافعی، علی بن حجر أبو الفضل، فتح الباری، دار النشر، دار المعرفة، بیروت، تحقیق: محب الدین الخطیب.

عسقلانی، ابن حجر، الأصابه، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵هـ.

- فیض کاشانی، محسن، تفسیر صافی، تهران، انتشارات الصدر، چاپ دوم، ۱۴۱۵هـ.
- قمی مشهدی، محمد رضا، کنز الدقائق، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸ش.
- کراجکی، ابو الفتح، کنز الفوائد، انتشارات دار الذخائر، قم، چاپ: اول، ۱۴۱۰ هجری.
- کلینی، محمد، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵هـ.ش.
- کثیر قرشی، اسما عیل بن عمر، البدایه والنهایه، دار النشر: مکتبه المعارف - بیروت.
- مؤسس ال البيت، مجله ی تراثنا.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفا، ۱۴۰۴هـ.
- مفید، محمد بن نعمان، الافصاح فی امامه امیرالمؤمنین، قم، الموتر العالمی للشیخ المفید، چاپ: اول، ۱۴۱۳ ق
- مقریزی، احمد بن علی، امتاع الاسماع، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۰هـ.
- مکارم شیرازی، ناصر، الأمثل فی تفسیر کتاب الله منزل، قم، انتشارات امام علی بن ابی طالب، ۱۴۲۰هـ.
- هندی، متقی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، دار النشر، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۹هـ-۱۹۹۸ م، چاپ اول، تحقیق: محمود عمر الدمیاطی.
- هشمی، علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد، دار النشر، دار الریان للتراث، دار الکتب العربی، القاهره، بیروت، ۱۴۰۷هـ.

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در

نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

(الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

(ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

(ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

(د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

(ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

(و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

(ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

(ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

(ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

(ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی

جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل

و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق

روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰ IR۹۰-

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده

است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار

شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،

هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی

اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

